



مسئولیت مدنی در برابر خسارت‌های زیست محیطی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران

پدیدآورنده (ها) : طهماسب پور، علیرضا

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق :: پاییز ۱۴۰۳، دوره جدید - شماره ۴۲

صفحات : از ۳۲۷ تا ۳۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2215857>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مسئولیت مدنی قاضی از دیدگاه حقوق موضوعه ایران و مذاهب خمس
- مسئولیت مدنی ناشی از اکراه از دیدگاه فقه و حقوق ایران: با تاکید بر قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی
- آثار جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی؛ مطالعه موردی حقوق ایران و اتحادیه اروپا
- وجه افتراق دیدگاه فقه امامیه و حقوق مدنی ایران با تحلیل مفهومی کالای معیوب در تحقق خیار عیب و مسئولیت ناشی از آن
- مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران
- مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت‌های ناشی از حمله انتحاری در حقوق ایران، افغانستان و فقه اسلامی
- تبیین مفهوم سبب در دعاوی مسئولیت مدنی از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران
- تعارض بینه و سند رسمی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران (پیشنهاد اصلاح ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی)
- مسئولیت مدنی دولت در خسارات ناشی از بیماری کرونا در برابر شهروندان در حقوق ایران و فقه امامیه
- مبانی فقهی و حقوقی اجرای احکام ارث زردشتیان در محاکم اسلامی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق مدنی ایران

مسئولیت مدنی در برابر خسارت‌های زیست محیطی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران

علیرضا طهماسب پور

کارشناسی ارشد حقوق پزشکی دانشگاه علم و فرهنگ تهران

چکیده

در نوشتار حاضر مسئولیت مدنی در قبال خسارت‌های زیست محیطی از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران بررسی شد. جایگاه محیط زیست در اسلام به عنوان امانتی الهی شناخته شده که بر عهده انسان‌ها سپرده شده و محافظت از آن را به عنوان وظیفه‌ای شرعی و اخلاقی معرفی کرده است. مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی از دیدگاه حقوقی شامل مبانی تقصیر، خطر و تضمین حق بوده که هر کدام در شرایط مختلف، معیارهای جبران خسارت را تعیین می‌کنند. در فقه اسلامی، قواعدی چون اتلاف، تسبیب و لاضرر اصولی برای الزام به جبران خسارت وارده به محیط زیست محسوب می‌شوند. در حقوق ایران، اصول جبران خسارت بر اعاده به وضع پیشین و پرداخت معادل خسارت تأکید داشته و ارزیابی آسیب به اموال، اشخاص و منابع طبیعی را شامل می‌شود. این تحقیق نشان داد که ایجاد و رعایت سازوکارهای مناسب برای جبران خسارت‌های زیست محیطی می‌تواند به حفظ و توسعه محیط زیست کمک کند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، خسارت زیست محیطی، حقوق ایران.



مقدمه

محیط زیست به عنوان بخشی از آفرینش الهی در تعالیم اسلامی از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس آیات قرآن و آموزه‌های پیامبر اسلام، انسان‌ها وظیفه دارند با حفظ و صیانت از طبیعت، امانت الهی را پاس بدارند. در این راستا، مسئولیت مدنی نسبت به تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران بر پایه مبانی متعددی استوار است. از مهم‌ترین مبانی مسئولیت مدنی می‌توان به مبنای تقصیر اشاره کرد که نیازمند اثبات کوتاهی یا تقصیر عامل زیان است. (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۶۱) همچنین، مبنای خطر برای فعالیت‌هایی به کار می‌رود که به‌طور ذاتی دارای احتمال آسیب‌رسانی به محیط زیست هستند، حتی اگر تقصیری نیز رخ نداده باشد. مبنای تضمین حق نیز بر حفظ حق عمومی برای بهره‌مندی از محیط زیست سالم تأکید دارد.

از سوی دیگر، فقه اسلامی با تکیه بر قواعدی چون اتلاف، تسبیب و لاضرر، به دنبال کاهش آثار منفی فعالیت‌های مخرب بر طبیعت است. (صفایی، ۱۳۹۴، ص ۷۷) قاعده اتلاف ناظر به مسئولیت مستقیم فرد در تخریب محیط زیست است، قاعده تسبیب به مسئولیت غیرمستقیم در فراهم کردن زمینه آسیب می‌پردازد و قاعده لاضرر بر منع هرگونه فعالیت زیان‌بار تأکید می‌کند. در نظام حقوقی ایران، اصول جبران خسارت شامل بازگرداندن وضع محیط زیست به حالت پیشین و یا پرداخت غرامت مالی بوده که ارزیابی دقیق خسارت به اموال، اشخاص و منابع طبیعی را دربرمی‌گیرد. مقاله حاضر به بررسی مسئولیت مدنی در برابر خسارت‌های زیست‌محیطی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران می‌پردازد.

محیط زیست

"محیط زیست" از دو واژه "محیط" و "زیست" تشکیل شده است. واژه "محیط" در فرهنگ‌های لغت به معنای "احاطه‌کننده" و "در برگیرنده" آمده (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۷۷۱) و به هر فضایی اطلاق می‌شود که انسان در آن به سر می‌برد، خواه کشور، شهر، خانه و یا هر مکان دیگری باشد. در واقع، محیط به مجموعه‌ای از شرایط، اشیاء و عناصر پیرامونی گفته می‌شود که فرد را در بر گرفته و به نوعی او را احاطه کرده‌اند.

از سوی دیگر، واژه "زیست" به معنای زندگی و حیات است (دهخدا، ۱۳۷۴ ه ق، ج ۹، ص ۱۳۰۹۸) و به همه آنچه انسان برای بقا و ادامه زندگی به آن نیاز دارد، مانند آب، هوا و غذا اشاره دارد. بنابراین، از نظر لغوی "محیط زیست" به معنای فضایی است که موجودات زنده به‌ویژه انسان را در بر می‌گیرد و قلمرو حیات و زیستن او را تشکیل می‌دهد. محیط زیست، به عنوان محدوده‌ای طبیعی و بستر لازم برای پشتیبانی از زندگی انسان و دیگر موجودات، شامل تمامی عوامل و منابعی است که در حفظ و توسعه حیات اهمیت دارند.



در قوانین و مقررات داخلی ایران، از جمله قانون اساسی و سایر قوانین مرتبط، تعریف دقیقی از "محیط زیست" ارائه نشده است. در چارچوب مقررات موجود، حقوق و تکالیف مرتبط با محیط زیست عمدتاً حول محور حفاظت از این عناصر طبیعت و منابع عمومی تعریف شده و به طور مستقیم به توصیف یک مفهوم جامع از محیط زیست که همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر بگیرد، نپرداخته است. این وضعیت سبب شده که حقوق محیط زیست در ایران عمدتاً بر حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب مناظر طبیعی متمرکز شود، در حالی که ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری از محیط زیست نیازمند تعریفی دقیق‌تر و مقرراتی جامع‌تر برای حمایت از زیست‌بوم و کیفیت زندگی انسان‌ها است. (قوام، ۱۳۵۷، ص ۳)

جایگاه محیط زیست

محیط زیست در فقه و حقوق اسلامی جایگاهی ویژه و بنیادین دارد. از دیدگاه اسلام، محیط زیست به عنوان امانتی الهی به انسان‌ها سپرده شده و آنان موظفند در حفاظت و نگهداری از آن کوشا باشند. مفاهیمی چون عدالت، مسئولیت و امانت‌داری، در فقه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و بر اساس این اصول، تجاوز و تخریب منابع طبیعی و زیست‌بوم نه تنها ناپسند، بلکه از منظر شرعی ممنوع و گناه محسوب می‌شود. در منابع اسلامی، روایات و آیات قرآنی متعددی وجود دارد که بر حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از فساد در زمین تأکید می‌ورزند.

در حوزه حقوق اسلامی، محیط زیست به مثابه‌ی بخشی از حق عمومی مورد توجه قرار گرفته و حفظ آن به عنوان وظیفه‌ای شرعی و اجتماعی در نظر گرفته شده است. این دیدگاه‌ها، مبنای قانون‌گذاری‌های بسیاری در حقوق محیط زیست در کشورهای اسلامی بوده و اساس توجه به مواردی چون جلوگیری از آلودگی منابع آب و خاک، جلوگیری از شکار بی‌رویه و مدیریت پایدار منابع طبیعی است. در واقع، با نگاهی به اصول فقهی و اسلامی می‌توان به رویکردی جامع و اصولی دست یافت که از سویی تکالیف شرعی و از سوی دیگر حقوق بشری را در حفظ محیط زیست همسو می‌کند.

الف) جایگاه محیط زیست در فقه

نگاه اسلام به طبیعت و محیط زیست، اعم از جاندار و بی‌جان، نگاهی عاطفی، اخلاقی، معنوی و مسئولانه است که نشان از اهمیت این موضوع در اندیشه اسلامی دارد. از دیدگاه اسلام، بهره‌برداری از منابع طبیعی بر اساس اصولی استوار و حکیمانه صورت می‌گیرد که شامل عدالت، توازن، حکمت و تأثیرات سازنده در زندگی انسان و جامعه است. منابع دینی و فقهی گواهی می‌دهند که اسلام در قبال مسائل زیست‌محیطی که پیوندی مستقیم با حیات و رفاه انسان‌ها دارد، بی‌تفاوت نبوده و به نحو جامع به این مسائل پرداخته است. به همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی، حفظ محیط زیست و تعامل درست با طبیعت از جایگاه ویژه‌ای



برخوردار است و حتی می‌توان ادعا کرد که جامع‌ترین و دقیق‌ترین شیوه تعامل با طبیعت در تعالیم اسلامی وجود دارد.

خداوند در قرآن، جهان و تمام پدیده‌های آن را زیبا، موزون و متقن آفریده است و از انسان خواسته تا با طبیعت و محیط زیست خود رابطه‌ای هماهنگ و متعادل برقرار کند. انسان مسئولیت دارد که از هرگونه تصرفات نادرست و مخرب پرهیز کرده و با حفاظت از محیط زیست، جامعه را از آلودگی و تخریب حفظ نماید؛ زیرا هرگونه تخریب و آلودگی محیط زیست می‌تواند جامعه را به بلاها و مشکلات جدی دچار کند. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که هر فردی با اندک آگاهی از فقه اسلامی، نقش عمیق و گسترده محیط زیست در این حوزه را به وضوح درک می‌کند؛ چرا که حفظ محیط زیست و برخورداری از محیطی سالم، مسئولیتی الهی است که از بسیاری از آیات، روایات و ادله فقهی قابل استنباط است و این موضوع در ابواب مختلف فقهی نیز به چشم می‌خورد.

به عنوان نمونه، برخی از فقیهان مسأله محیط زیست و طبیعت را در باب جهاد نیز مورد توجه قرار داده‌اند. آنان با استناد به آیه ۲۰۵ سوره بقره و روایت ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه‌السلام، بر این باورند که قطع درختان و تخریب مزارع دشمن جز در صورت ضرورت و نیاز شدید جایز نیست. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۷) این حکم، نشان‌دهنده حساسیت اسلام در برابر تخریب بی‌رویه طبیعت حتی در شرایط جنگی است. در مقابل، گروهی دیگر از فقیهان با استناد به آیه ۵ سوره حشر و شأن نزول آن و همچنین روایت ابوحمزه ثمالی، به کراهت این عمل اشاره کرده و معتقدند که در این موارد نهی موجود از حرمت به کراهت تعبیر می‌شود. به این ترتیب، کراهت تخریب و آلودگی محیط زیست حتی در شرایط خاص نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۹۶)

برخی مفسران معاصر معتقدند که آیه ۵ سوره حشر استثنایی در قانون کلی اسلامی مبنی بر عدم تخریب طبیعت در هنگام جنگ است. به این معنا که هنگام حمله به دشمن نباید درختان قطع، حیوانات کشته و مزارع تخریب شوند؛ مگر در موارد استثنایی و ضروری، مانند بیرون کشیدن دشمن از دژ یا ایجاد فضای مناسب برای نبرد. این استثنا در قانون کلی طبیعت‌دوستی اسلام شبیه به موارد دیگر است؛ مانند مجاز بودن خوردن گوشت مردار در شرایط اضطراری.

مرحوم صاحب جواهر نیز به نقل از محقق حلی، برای تبیین این دیدگاه به روایاتی استناد کرده است. در یکی از این روایات، امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیش از اعزام لشکر به جهاد، فرماندهان را به رعایت اصول اخلاقی دعوت کرده و تأکید داشتند که پیمان‌شکنی نکرده، افراد پیر، کودکان و زنان را نکشند و درختان را جز در شرایط ضرورت قطع نکنند. همچنین در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام آمده است که از قطع درختان پرهیز کنید؛ زیرا خداوند برای آن مجازات در نظر گرفته است. (نجفی، ۱۳۷۳، ص ۶۷)



اسلام به کاشت و حفظ درختان اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، زیرا درختکاری راهی برای احیای زمین‌های بایر و حفاظت از محیط زیست است. امروزه نیز تلاش‌های جهانی و ملی برای بیابان‌زدایی و توسعه فضای سبز با کاشت درختان صورت می‌گیرد که نشان‌دهنده پیوند عمیق اسلام با حفظ و بهبود محیط زیست است. آیات قرآن نقش مهم انسان را به‌عنوان خلیفه خداوند در زمین و وظایف او در قبال حفظ طبیعت و محیط زیست آشکار می‌سازد. به استناد قرآن، همه مخلوقات آسمان و زمین در تسخیر انسان قرار گرفته‌اند، ولی این موقعیت مسئولیت‌هایی سنگین برای او ایجاد می‌کند؛ از جمله رعایت عدل، احسان و اجرای احکام الهی. خداوند زمین را ملک خویش می‌داند و در آیه‌ای تصریح می‌فرماید که زمین متعلق به اوست و آن را به بندگان شایسته خود به ارث می‌دهد.

در کنار این مقام، انسان مسئولیت دارد که از فساد و تخریب زمین خودداری کند، این دستور نشان‌دهنده ارتباط میان عبادت و عملکرد عملی انسان در حفظ محیط زیست است؛ چرا که حفظ آن، نوعی عبادت محسوب می‌شود.

از دیدگاه اسلامی، تجاوز به محیط زیست و تخریب آن مخالف اصول دین و عدالت و احسان الهی است. جانشینی انسان بر روی زمین از او می‌طلبد که نه به‌عنوان مالک، بلکه به‌عنوان نگهبان، با احترام و ملاحظه به طبیعت عمل کند. بنابراین، حفظ و اصلاح زمین از اصول اصلی شریعت و هدفی اساسی در وظایف انسانی است.

هدف دین، پرورش انسان به گونه‌ای است که عبادت خدا، جانشینی بر روی زمین و عمران آن را در کنار هم محقق کند. عبادت نه تنها به شکل اعمال دینی بلکه به شکل هر اقدامی که خداوند آن را دوست دارد، از جمله محافظت از طبیعت، تحقق می‌یابد. این اهداف با یکدیگر در ارتباط بوده و همدیگر را تکمیل می‌کنند. در نهایت، با انجام این وظایف، انسان نه تنها به سعادت فردی می‌رسد، بلکه موجب خیر و برکت برای جامعه و محیط زیست می‌شود. (صفائی، ۱۳۹۴، ص ۱۲)

ب) جایگاه محیط زیست در حقوق

حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از دانش حقوق است که به بررسی و تنظیم مجموعه‌ای از قواعد و مقررات برای حفظ و حمایت از حیات موجودات زنده در محیط طبیعی آن‌ها می‌پردازد. این حوزه، به طور خاص، بر مشکلات و تهدیدهایی تمرکز دارد که به واسطه انواع آلودگی‌ها به وجود می‌آید و حیات را به خطر می‌اندازد. از این رو، قواعد حقوق محیط زیست با هدف پیشگیری از آسیب‌ها، کاهش آلودگی‌ها و تأمین شرایط لازم برای بقای گونه‌های مختلف زیستی تدوین شده و به موضوعات گسترده‌ای چون آب، خاک، هوا، منابع طبیعی و تنوع زیستی اختصاص دارد.

در ایران، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مرجع قانون‌گذاری، وظیفه تدوین و تصویب قوانین مربوط به محیط زیست را برعهده دارد. این قوانین با هدف حفاظت از منابع طبیعی، کاهش آلاینده‌ها و مقابله با



تخریب محیط زیست وضع می‌شوند. علاوه بر مجلس، قوه مجریه نیز از طریق تصویب آیین‌نامه‌ها و صدور بخشنامه‌ها در تنظیم مقررات اجرایی نقش ایفا می‌کند؛ این اقدامات اجرایی به دستگاه‌های مربوطه امکان می‌دهد که قوانین را با توجه به شرایط و مقتضیات اجرایی خود به اجرا بگذارند.

با وجود تدوین مجموعه‌ای از قوانین و مقررات در زمینه محیط زیست، معضل تخریب و آلودگی در کشور همچنان پابرجاست. قوانین موجود، به دلیل پراکندگی، عدم جامعیت و ضعف در اجرای مناسب، نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر و گسترده از محیط زیست حمایت کنند. علاوه بر این، چالش‌های دیگری مانند کمبود منابع مالی، ضعف نظارت‌های اجرایی و فقدان هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف مرتبط با محیط زیست، سبب شده تا این قوانین نتوانند مشکلات زیست‌محیطی کشور را به‌طور کامل حل کنند.

به‌طور کلی، نیاز به بازبینی، اصلاح و به‌روزرسانی قوانین محیط زیست در ایران احساس می‌شود تا این قوانین نه تنها گستره‌ی بیشتری از مسائل محیطی را پوشش دهند، بلکه دارای قابلیت‌های اجرایی و ضمانت‌های محکمی برای برخورد با متخلفان باشند. همچنین، تقویت فرهنگ عمومی در حفاظت از محیط زیست و ایجاد نهادهای نظارتی کارآمد، از ضرورت‌های اصلی در جهت ارتقای حقوق محیط زیست در ایران به‌شمار می‌رود. (همان، ص ۱۵)

مبانی مسئولیت مدنی محیط زیست

حقوق و قواعد حقوقی، از بستر ضرورت‌ها، نیازها، دانش موجود، عرف، سنت و اصول کلی سرچشمه می‌گیرد و به عنوان یک چارچوب مبنایی، می‌تواند در تحلیل ساختار نظام حقوقی و تفسیر و حل مسائل نوظهور راهنمای موثری باشد. از این منظر، یکی از بحث‌های اساسی در حوزه مسئولیت مدنی این است که چرا و بر چه اساسی فرد ملزم به جبران خسارت وارده به دیگری می‌شود. این پرسش مطرح است که آیا هر گونه فعل زیان‌بار، حتی در صورتی که فاعل آن قصد سوء نیت یا تقصیری نداشته باشد، موجب ایجاد مسئولیت می‌گردد یا اینکه مسئولیت تنها در صورت همراهی فعل زیان‌بار با عنصر تقصیر تحقق می‌یابد؟

در این راستا، مفهوم تقصیر و معیارهای سنجش آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تقصیر، به عنوان مبنای تعیین‌کننده مسئولیت، سؤالاتی را به همراه دارد؛ از جمله اینکه در شرایطی که فردی مسئول اعمال دیگران شناخته می‌شود، چه توجیه حقوقی برای این انتساب وجود دارد؟ (درودیان، ۱۳۷۷، ص ۲۰-۲۱) در مواردی که فردی به جبران خسارت ملزم می‌شود، باید بررسی کرد که انتساب ضرر به او بر اساس چه مبانی حقوقی صورت می‌گیرد و چگونه عامل ورود زیان شناسایی و تثبیت می‌شود. (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۸۶)

در حوزه مسئولیت مدنی محیط زیست، این مسائل پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کنند؛ زیرا حقوق ایران فاقد نظام مشخص و جامعی در مورد مسئولیت مدنی ویژه برای محیط زیست است. مقررات موجود نیز غالباً تنها به مسئولیت به صورت کلی اشاره داشته و از رویکردهای خاص و معین در این زمینه پیروی نمی‌کند.



بنابراین، مسئولیت مدنی در موضوعات زیست محیطی تابع اصول کلی مسئولیت مدنی است که در سایر حوزه‌ها نیز کاربرد دارد.

شناخت، تحلیل و ارزیابی نظریات و اصول مرتبط با مسئولیت مدنی، به‌ویژه در رابطه با محیط زیست، می‌تواند مبانی حقوقی و فلسفی جبران خسارت‌های زیست محیطی و حدود و ثغور آن‌ها را تبیین و توجیه کند. به این ترتیب، روشن‌سازی مبانی حقوقی الزام به جبران خسارت‌های زیست محیطی و تعریف قلمرو آن‌ها می‌تواند در ایجاد ساختاری منسجم برای مسئولیت مدنی در مسائل زیست محیطی نقشی مؤثر و اساسی ایفا نماید.

مبحث اول: مبانی حقوقی

در مسئولیت مدنی، سه عنصر اصلی عامل زیان، فعل زیان‌بار و زیان‌دیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در تعیین مبانی مسئولیت، دیدگاه‌های متفاوتی درباره تأکید بر هر یک از این عناصر وجود دارد. برخی اندیشمندان بر نقش واردکننده زیان و مبانی تقصیر تأکید دارند؛ در حالی که مکاتب دیگر، اراده فاعل را در نظر نگرفته و به جای آن، بر ماهیت خطرناک فعل زیان‌بار تکیه می‌کنند و نظریه خطر را مطرح کرده‌اند. در مقابل این دو گروه، دیدگاهی نیز بر حمایت از حقوق زیان‌دیده تمرکز داشته و نظریه تضمین حق را ارائه می‌دهد.

از آنجا که این سه مبنا در حقوق اسلام نیز اهمیت یافته و در تحلیل ابعاد مسئولیت مدنی کارآمد هستند، این گفتار به بررسی این نظریات در بستر مسئولیت مدنی محیط زیست می‌پردازد و تلاش می‌کند راهکارهایی برای فهم بهتر این مسئولیت ارائه دهد.

الف) مبانی تقصیر

تحولات تاریخی در مسئولیت مدنی نشان می‌دهد که در ابتدا تأکید بر جبران خسارت و صرف احراز رابطه سببیت میان خسارت و رفتار فرد بود، بدون توجه به انگیزه‌ها و نیت‌های اخلاقی یا روانی. با گذر زمان، چالش‌هایی همچون تشخیص دقیق عامل خسارت و پرسش از کافی بودن رابطه سببیت یا لزوم نامشروع بودن عمل برای تحقق مسئولیت، موجب تحول در مبانی مسئولیت شد. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱-۳۲۲) به عنوان راه‌حل، نظریه تقصیر مطرح شد که براساس آن، تنها در صورت اثبات تقصیر - اعم از عمدی یا غیرعمدی (مانند بی‌احتیاطی) - فرد ملزم به جبران خسارت خواهد بود. در این چارچوب، زیان‌دیده باید اثبات کند که تقصیر واردکننده زیان علت وقوع خسارت بوده است. این امر در مسئولیت مدنی، برخلاف مسئولیت قراردادی، نیازمند ارائه دلایل از سوی زیان‌دیده است، چراکه اصل بر براءت است و اثبات تقصیر همواره آسان نیست. به عبارتی، مسئولیت تنها زمانی ثابت می‌شود که زیان‌دیده بتواند رابطه علیت میان تقصیر و زیان وارده را نشان دهد.



در حقوق ایران، تقصیر به عنوان انجام کاری که فرد باید از آن اجتناب کند یا عدم انجام عملی که بر اساس قرارداد، عرف یا قانون ملزم به آن است، تعریف شده است. این تعریف از مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی استنباط می شود. ماده ۹۵۳ ق. م تقصیر را به عنوان "اعمال تفریط و تعدی" تعریف می کند و مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ نیز این دو مفهوم را شرح می دهند. بنابراین، می توان گفت که تقصیر شامل هر نوع فعل یا ترک فعلی است که بر خلاف قرارداد، عرف یا قانون باشد.

این مواد نشان می دهند که قانونگذار در تعریف تقصیر، به جنبه نوعی آن تأکید کرده است، نه جنبه شخصی؛ به طوری که شرایط جسمی و روانی خطاکار در نظر گرفته نشده و معیار تشخیص خطا، عرف عمومی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۶۱)

در فقه امامیه، در مباحث مسئولیت مدنی اعم از قراردادی و غیرقراردادی، عنصر تقصیر نقش اساسی دارد، هرچند فقیهان تعریف دقیقی از آن ارائه نداده اند. به جای آن، از تعبیری مانند تعدی، تفریط، اهمال و عدم تحفظ استفاده کرده اند. یکی از فقیهان در این زمینه، تعدی را به معنای انجام عملی می داند که باید از آن اجتناب شود، مانند استفاده بیش از حد از حیوان یا سرعت غیرمجاز و تفریط را ترک عملی که لازم است، مانند عدم تأمین آب و غذا برای حیوان. به بیان او، این تعاریف به طور عام مفهوم تقصیر را نیز دربرمی گیرد و با مفهوم عرفی و اجتماعی آن که در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی ایران نیز آمده است، همخوانی دارد. از دیدگاه فقهی و عرفی، تقصیر می تواند شامل فعل مثبت یا منفی باشد و از عرف جامعه به عنوان معیار تشخیص آن استفاده می شود.

ب) مبنای خطر

نظریه مبنای خطر یا مسئولیت بدون تقصیر، بر این اصل استوار است که صرفاً ورود خسارت، مسئولیت مدنی را به دنبال دارد، حتی اگر تقصیری وجود نداشته باشد. این نظریه که در قرن بیستم و هم زمان با انقلاب صنعتی و تغییرات فلسفی شکل گرفت، نگاهی برون ذاتی به مسئولیت دارد و به جای توجه به انگیزه ها و ویژگی های درونی واردکننده زیان، خود فعل زیان بار را ملاک قرار می دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸)

عوامل مختلفی از جمله دشواری اثبات تقصیر از سوی زیان دیده، شکل گیری این نظریه را تسهیل کرده است. با پیچیده شدن روابط صنعتی و اجتماعی، زیان دیدگان، به ویژه کارگران و مصرف کنندگان، اغلب قادر به اثبات تقصیر واردکنندگان خسارت نیستند؛ حال آن که شرکت های بزرگ از فعالیت های خود سود بسیاری کسب می کنند. نظریه خطر با این هدف طراحی شد که عدالت را برقرار کند و بار خسارت بر دوش زیان دیده نیفتد، به ویژه در مواردی که زیان ناشی از فعالیت های قانونی شخص دیگری است. در این نظریه، کافی است زیان دیده رابطه علیت میان فعل شخص و خسارت وارده را اثبات کند تا مسئولیت مدنی محقق شود. بنابراین، هرکس مسئول جبران خساراتی است که ناشی از اعمال او یا



محیط‌های خطرناک ایجادشده به وسیله او باشد، حتی اگر تقصیری از سوی او رخ نداده باشد. (صفایی، ۱۳۵۵، ص ۲۳۷)

ج) مبنای تضمین حق

طبق نظریه‌های مسئولیت مدنی، مبنای تقصیر و خطر، بیشتر به بررسی فعل زیان‌آور توجه دارند و کمتر به حقوق تضییع‌شده و منافع از دست‌رفته زیان‌دیده می‌پردازند. این مسئله اهمیت توجه به تضمین حقوق زیان‌دیده را پررنگ‌تر می‌سازد. به‌طور خاص، نظریه تضمین حق در مواردی مانند مسئولیت تضامنی غاصبان و سلطه غیرقانونی بر اموال دیگران، بر رفع ضرر از مالک تأکید دارد. با این حال، انتقاد وارد بر این نظریه آن است که در برخی موارد که دو حق (حق زیان‌دیده و عامل زیان) با یکدیگر در تراحم هستند، ترجیح یکی بر دیگری بدون مبناست.

در مجموع، هیچ‌یک از نظریه‌های تقصیر، خطر و تضمین حق به‌تنهایی نمی‌تواند مبنای جامع و کاملی برای مسئولیت مدنی در تمامی موارد باشد. از این رو، برخی پیشنهاد کرده‌اند که اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد و مسئولیت بدون تقصیر در موارد استثنایی و بنا بر اقتضای عدالت اعمال شود. (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۴۱) همچنین، تقسیم مسئولیت‌ها بر اساس نوع آن‌ها، مانند مسئولیت ناشی از فعل شخص، فعل غیر و تصرف در اشیاء و حیوانات، به نظر می‌رسد که عملی‌تر باشد؛ به نحوی که مسئولیت فعل شخصی بر مبنای تقصیر و دیگر موارد بر مبنای خطر بنا شود.

در حقوق اسلام، احراز رابطه سببیت، ملاک انتساب زیان به عامل و مسئولیت جبران خسارت است و نیازی به توجهات نظری چون تقصیر و خطر نیست؛ هرچند این نظریات در احراز رابطه سببیت مؤثرند.

در زمینه مسئولیت مدنی محیط زیست در حقوق ایران، مبنای تقصیر می‌تواند به‌طور وسیع و عرفی برای خسارات وارده به اموال و اشخاص به کار رود. هرگونه افراط و تفریط در استفاده از منابع طبیعی و آلودگی محیط‌زیست، آسیب‌زا به حقوق بنیادین مانند حق حیات و محیط زیست سالم است و آلوده‌کننده در برابر این خسارات مسئول شناخته می‌شود، زیرا مسئولیت، لازمه اختیار و آگاهی از پیامدهای اعمال خویش است. (صفایی، ۱۳۹۴، ص ۶۹)

اهمیت محیط زیست در اصل پنجاهم قانون اساسی، به عنوان یک منشور ملی، به وضوح بیان شده است که حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ای عمومی و تخریب آن را حرام می‌داند. نتیجه مهم این اصل، توجه به مسئولیت پیشگیرانه و ناظر به آینده در حفاظت از محیط زیست است، چرا که آسیب‌های زیست‌محیطی تنها به زمان حال محدود نمی‌شود و نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به حق نسل‌های آینده برای بهره‌مندی از محیط زیست سالم، مسئولیت بین نسلی اقتضا می‌کند که اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از بهره‌برداری‌های نادرست از منابع طبیعی صورت گیرد.



در این راستا، مسئولیت پیشگیرانه بر اساس نظریه «مسئولیت بدون تقصیر» توجیه می‌شود، زیرا اجرای این نوع مسئولیت، اهداف بازدارنده و پیشگیرانه را مؤثرتر تأمین می‌کند. مسئولیت بدون تقصیر باعث می‌شود که افراد و نهادها با دقت بیشتری از تخریب و آلودگی محیط زیست جلوگیری کنند، چرا که در صورت آسیب، مجبور به جبران خسارت خواهند بود.

در حقوق ایران نیز قوانین مرتبط با منع ایراد خسارت، لزوم جبران آن و نحوه جبران خسارات در مسئولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی پیش‌بینی شده است. قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، با توجه به قواعد ضمان قهری و اصول اتلاف و تسبیب، چارچوبی قانونی برای مطالبه خسارات زیست‌محیطی فراهم کرده‌اند. این اصول مبنای مهمی برای پیگیری و جبران خسارات‌های محیط زیستی تلقی می‌شوند. (صفایی، ۱۳۹۴، ص ۸۹)

قانونگذار در ایران به اهمیت محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن توجه ویژه‌ای دارد که این امر در اصول و مقررات مختلف، از جمله ماده ۱۳۲ قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، مشهود است. از جمله در مواد ۶۸۶، ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی، قطع درختان و تهدید علیه بهداشت عمومی جرم تلقی شده و جبران خسارات ناشی از تخریب و آلودگی محیط زیست لازم دانسته شده است. این مواد، نشان‌دهنده تعهد قانونگذار به حفظ محیط زیست و سلامت عمومی هستند.

علاوه بر قوانین مجازات، قوانین مدنی و مسئولیت مدنی نیز به صورت کلی مسئولیت مدنی در قبال خسارات زیست‌محیطی را مطرح کرده‌اند، هرچند به‌طور مستقیم به موضوع محیط زیست نپرداخته‌اند. طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هر کسی که به جان، مال یا حقوق دیگری آسیب برساند، مسئول جبران خسارت است. این ماده تمامی افراد حقوقی و حقیقی را شامل می‌شود و اثبات تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت، بر عهده زیان‌دیده است.

با این حال، برخی خسارات زیست‌محیطی، به دلیل دشواری اثبات تقصیر، نیازمند رویکردی متفاوت هستند. در مواردی چون خسارات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی یا انرژی هسته‌ای، آسیب‌ها ممکن است به مرور زمان و حتی در نسل‌های آینده بروز کنند و اثبات تقصیر یا بی‌احتیاطی عاملان این خسارات بسیار دشوار است. (اسکینی، ۱۳۷۱، ۲۴۲-۲۴۳) به همین دلیل، مسئولیت زیست‌محیطی به عنوان مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت مبتنی بر خطر نیز مطرح می‌شود، چرا که این رویکرد امکان جبران خسارت و اجرای اصول پیشگیری، اصلاح و بازسازی محیط زیست را بهتر فراهم می‌آورد.

از نظر برخی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی تنها به حقوق خصوصی افراد می‌پردازد و شامل حقوق عمومی نمی‌شود. (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱) با این حال، به نظر می‌رسد که این دیدگاه نادرست است، زیرا محیط زیست می‌تواند هم به عنوان یک حق عمومی و هم به عنوان یک حق خصوصی در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، ماده ۱۳۲ قانون مدنی و همچنین برخی مواد در قانون مجازات اسلامی، تهدید



بهداشت عمومی و آلودگی‌های زیست محیطی را ممنوع کرده و الزام به جبران خسارت ناشی از آن را نیز مشخص نموده است.

قانونگذار در مواد مختلفی همچون مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین ماده ۱۳۲ قانون مدنی، با صراحت به جلوگیری از تصرفات مضر به حال همسایگان یا ساکنان مجاور اشاره داشته است. همچنین، آئین‌نامه‌ها و قوانین مربوط به بهداشت و حفاظت محیط زیست بر ممنوعیت اقدامات تهدیدآمیز برای بهداشت عمومی تاکید کرده و مسئولیت سازمان‌ها و نهادهای ذیربط نظیر شهرداری‌ها را در کنترل و جلوگیری از آلودگی الزامی دانسته است. بنابراین، در صورت عدم انجام وظایف از سوی این نهادها، تقصیر در راستای مسئولیت مدنی تلقی شده و زیان‌دیده می‌تواند برای جبران خسارت به این سازمان‌ها رجوع کند.

با توجه به دشواری اثبات تقصیر آلوده‌کننده در مواردی چون حوادث صنعتی یا آثار زیست محیطی طولانی مدت، در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی محیط زیست به نظریه مسئولیت محض و مبنای خطر نزدیک تر است؛ به این معنا که صرف وقوع آلودگی، تخلف محسوب شده و زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر یا عمد عامل زیان ندارد. این رویکرد از اصول و قواعد فقهی و قوانین خاص محیط زیست پیروی می‌کند و به هدف حمایت از حقوق عمومی و پیشگیری از خسارات محیط زیستی نزدیک تر است. (صفایی، ۱۳۹۴، ص ۹۵)

مبحث دوم: مبانی فقهی

مبانی فقهی محیط زیست شامل ادله و قواعد کلان فقهی، نظیر کتاب، سنت، اجماع و عقل است که وظایف و مسئولیت‌های انسان در قبال محیط زیست را تبیین می‌کنند. در فقه اسلامی، احکام به دو نوع وضعی و تکلیفی تقسیم می‌شوند. در احکام تکلیفی، عناصر آگاهی و توانایی فرد از اهمیت بالایی برخوردارند؛ به طوری که در نبود علم، عمد یا اهلیت، این احکام از فرد ساقط می‌شوند. اما در احکام وضعی مانند مسئولیت و ضمان، این عناصر نقش مستقیم ندارند؛ (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۴۶) در نتیجه، مسئولیت در این موارد به صورت وضعی برقرار می‌شود و تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت محسوب نمی‌شود، هرچند می‌تواند در ایجاد رابطه سببیت و انتساب زیان به فاعل مؤثر باشد.

در بحث محیط زیست، هرگاه به دلیل انجام یا ترک فعلی یا عدم رعایت الزامات زیست محیطی، به محیط یا افراد خسارت وارد آید، موضوع مسئولیت مدنی مطرح می‌شود. اقدامات بشر در قبال محیط زیست شامل دو دسته اقدامات مثبت و منفی است: اقدامات مثبت، شامل کارهایی است که به احیا، اصلاح و حفظ سلامت محیط زیست کمک می‌کند و اقدامات منفی، ترک رفتارهایی است که منجر به برهم خوردن تعادل محیط و تخریب عناصر آن می‌شود.



با تقسیم الزامات محیط زیست به ارزش‌ها، الزامات و روش‌ها، آشکار می‌شود که آموزه‌های دینی و فقهی نقش برجسته‌ای در دو بخش نخست ایفا می‌کنند و بر اهمیت این اصول در حفظ و بهبود محیط زیست تأکید دارند.

الف) قاعده اتلاف

فقیهان در اثبات ضمان و مسئولیت مدنی در موارد گوناگون به قاعده اتلاف استناد کرده‌اند. این قاعده با عبارت «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» مطرح شده و مستند به روایات معصومین علیهم‌السلام است. در این زمینه، آیت‌الله سید محمد محقق داماد بیان می‌دارد: «تردید نیست که هرگاه اتلاف مال غیر محقق شود، ضمان نیز به دلیل قاعده مسلم اتلاف تحقق می‌یابد، به این معنی که هر فردی مال دیگری را تلف کند، در برابر آن ضامن است.» (محقق داماد، ۱۴۰۵، ص ۴۳۲)

در حوزه مسئولیت مدنی محیط زیست، قاعده اتلاف نقش مهمی ایفا می‌کند. این قاعده با توجه به تعریف مال و شمول آن بر عناصر محیط زیست، شامل تمامی منابع زیستی مانند آب، خاک و هوا می‌شود که برای بقا و سلامت بشر ضروری هستند. در نتیجه، این منابع باید از تعرض و تخریب محفوظ بمانند و در صورت ورود خسارت، جبران شوند. هر اقدامی که به این منابع آسیب بزند و موجب ضرر شود، از مصادیق اتلاف محسوب می‌شود و عامل زیان را ملزم به جبران می‌سازد.

از آنجا که بسیاری از عناصر محیط زیست در زمره اموال عمومی و انفال قرار دارند و تحت مالکیت دولتی به نمایندگی از امام و امت هستند، تجاوز به این اموال از مصادیق اتلاف مال غیر به شمار می‌آید. در نتیجه، هرگونه آسیب به این منابع عمومی، مسئولیت مدنی ایجاد کرده و فرد مسئول را ملزم به جبران خسارت می‌کند. (منتظری، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴)

در مواردی که حق انتفاع از منابع زیستی به سبب فعل یا ترک فعل دیگری نقض شود، ضرر وارد شده بر اساس قاعده لاضرر قابل جبران است. در اتلاف، حتی نیازی به قصد و اراده آسیب‌رسانی نیست، بلکه هر گونه اضرار به حقوق عمومی یا فردی بدون توجه به قصد عامل، مسئولیت‌آور است.

در رابطه با حق محیط زیست، دو رویکرد وجود دارد؛ برخی محیط زیست را تنها دارای ارزش ابزاری و مرتبط با نیازهای انسان می‌دانند، در حالی که دیگران به محیط زیست ارزش ذاتی قائلند. از این رو، تخریب یا آلودگی محیط زیست به خودی خود می‌تواند موجب مسئولیت شود و عامل تخریب موظف به اصلاح آن یا جبران خسارت گردد.

بر اساس قانون مسئولیت مدنی و اصل پنجاهم قانون اساسی، تخریب محیط زیست ممنوع است و هرگونه آلوده‌سازی و تخریب آن، مسئولیت مدنی برای جبران خسارت ایجاد می‌کند. افزون بر این، تفاوتی ندارد که محیط زیست متعلق به خود فرد باشد یا دیگران؛ هرگونه اقدام مخرب علیه محیط زیست، چه در حیطه فردی و چه عمومی، موجب ضمان و مسئولیت مدنی خواهد شد.



ب) قاعده تسبیب

بسیاری از فقیهان، قاعده تسبیب را زیرمجموعه‌ای از قاعده اتلاف دانسته و آن را به دو نوع «اتلاف بالمباشرة» و «اتلاف بالتسبیب» تقسیم کرده‌اند. بر این اساس، در صورتی که فعلی از فاعل مختار سر بزند و عادتاً منجر به تلف یا خسارت به جان یا مال دیگران شود و این عمل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به زیان‌دیدگان نسبت داده شود، فاعل مسئول جبران خسارت خواهد بود.

بر پایه این اصل، اگر نهادها یا اشخاص در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و از اقدامات لازم جهت حفاظت از محیط زیست خودداری کنند یا با رفتارهایی مانند استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، موجبات تخریب و آلودگی را فراهم آورند، طبق قاعده تسبیب مسئول جبران خسارات شده خواهند بود. این قاعده به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در حفاظت از اموال عمومی و وارد جلوگیری از زیان به محیط زیست، قابل استناد است. (صفایی، ۱۳۹۴، ص ۷۷)

ج) قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از قواعد فقهی بنیادین و گسترده در فقه اسلامی است که مبنای بسیاری از مسائل فقهی قرار گرفته و به طور مستقل توسط بسیاری از فقیهان بررسی شده است. این قاعده با مسئولیت مدنی ارتباط تنگاتنگی دارد و می‌توان از آن برای اثبات ضمان قهری بهره جست.

مفهوم ضرر در این قاعده بسیار وسیع است و شامل تمام خسارات مادی و معنوی می‌شود، (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱) از آسیب به اموال و منافع گرفته تا صدمات جسمانی و سایر حقوق. در این میان، «ضرار» به مواردی اشاره دارد که فرد از یک حق یا مجوز شرعی سوءاستفاده کند و به دیگری زیان برساند که در عرف به عنوان «سوء استفاده از حق» شناخته می‌شود. فقیهان، با تفاوت دیدگاه‌های خود، به طور کلی این مفهوم را در خصوص کاهش اموال و جان‌ها به کار می‌برند.

در حوزه محیط زیست، آلودگی و آسیب‌های وارده بر عناصر محیطی از مصادیق ضرر محسوب می‌شود. حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته می‌شود و زیربنای بهره‌مندی از سایر حقوق محسوب می‌گردد؛ بنابراین، هرگونه تجاوز به این حق که به نفع انسان و طبیعت ضروری است، طبق قاعده لاضرر و لاضرار شامل ضمان خواهد شد. حتی داشتن مجوز برای احداث تاسیسات آلاینده توجیهی برای آسیب به محیط زیست نیست؛ چرا که قاعده لاضرر مانع از استفاده نادرست از حق می‌شود و هرگونه ضرر رساندن به محیط زیست، مسئولیت‌آور خواهد بود.

اصول حاکم بر جبران خسارت

مسئولیت مدنی در خسارات محیط زیست راهی است تا آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان، خسارات واردشده را جبران کرده یا اقدامات پیشگیرانه‌ای برای کاهش خطرات زیست محیطی انجام دهند. از آنجا



که تخریب و آلودگی محیط زیست تأثیرات گسترده‌ای بر سلامت انسان و محیط طبیعی دارد، جبران خسارت بسته به نوع آسیب می‌تواند به شکل‌های مختلف صورت گیرد. پس از اثبات ضرورت جبران خسارت‌های زیست‌محیطی با توجه به انواع مختلف محیط زیست و تنوع آسیب‌های وارده بر منابع انسانی و طبیعی، بدیهی است که بهترین روش جبران، بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از آسیب است، هرچند این روش در همه موارد قابل اجرا نیست.

مبحث اول: اعاده به وضع پیشین

شیوه جبران عینی، کامل‌ترین شکل جبران خسارت است که وضعیت زیان‌دیده را به حالت پیش از خسارت برمی‌گرداند، (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۹۲) به گونه‌ای که گویی هیچ زیانی وارد نشده است. به این نوع جبران، "اعاده وضع به حالت سابق" یا "جبران عینی" نیز گفته می‌شود و شامل وفای به عین تعهد است. این روش معمولاً در تعهدات قراردادی استفاده می‌شود؛ اما در برخی موارد مسئولیت قهری، امکان الزام مدیون به اجرای عینی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه، اگر شخصی دیواری برای جلوگیری از رسیدن نور به ملک همسایه بسازد، ملزم به انهدام دیوار برای رفع ضرر خواهد بود. اعاده وضعیت می‌تواند به صورت مادی باشد، مانند بازگرداندن مال مصادره شده یا آزاد کردن سرزمین اشغال شده یا به شکل حقوقی با تغییر وضعیت حقوقی، مانند لغو یا اصلاح قوانین و تصمیمات غیرقانونی. در نظام حقوقی ایران نیز، اعاده وضعیت دارای مبنای قانونی است، از جمله ماده ۳۱۱ قانون مدنی که غاصب را به بازگرداندن عین مال مغضوب به صاحب اصلی آن ملزم می‌کند. همچنین، در صورتی که مال تلف شده باشد، مالک می‌تواند مال دیگری درخواست کند. قانونگذار در ماده ۳۲۹ قانون مدنی حکم کرده است که اگر شخصی مال دیگری را تخریب یا معیوب کند، باید تا حد امکان آن را به حالت اول بازگرداند و در صورت عدم امکان، ارزش آن را جبران کند. این قاعده کلی جبران خسارت عینی، در موارد محیط زیستی نیز می‌تواند به عنوان بهترین روش جبران خسارت مدنی محسوب شود. با استفاده از این شیوه، می‌توان آلودگی را با از بین بردن منبع ضرر برطرف کرد، به طوری که اهداف پیشگیرانه در حفظ محیط زیست نیز تأمین شود؛ البته این روش زیان‌های گذشته را جبران نمی‌کند و برای آن‌ها از سایر روش‌ها می‌توان بهره برد.

مبحث دوم: پرداخت معادل خسارت

الف) پرداخت غرامت

برای مسئولیت مدنی عامل زیان، ضروری است که خسارت به طور کامل جبران شده و زیان‌دیده به وضعیت پیش از ضرر بازگردد. در بسیاری از موارد که جبران عینی یا اعاده وضع ممکن نیست، پرداخت غرامت به عنوان جایگزینی مناسب و منصفانه در نظر گرفته می‌شود. میزان غرامت باید متناسب با خسارت



وارد شده باشد و نه میزان تقصیر؛ زیرا ممکن است حتی در اثر تقصیری کوچک، خسارتی بزرگ ایجاد شود که باید به‌طور کامل جبران گردد. هدف از غرامت، بازگرداندن زیان‌دیده به وضع پیش از خسارت است (همان، ص ۳۹۳) و اجرای این شیوه نسبت به سایر روش‌ها آسان‌تر بوده و قادر به پوشش تمام خسارات از ابتدا تا صدور حکم است.

در خسارات محیط زیستی، غرامت هزینه‌های رفع آلودگی و جبران کاهش ارزش اموال آلوده را پوشش می‌دهد. با این حال، ارزیابی این خسارات به دلیل پیچیدگی محاسبه هزینه‌های پاکسازی و تأثیرات طولانی‌مدت آلودگی، نیازمند بررسی‌های کارشناسی دقیقی است. در مواردی که اعاده وضع ممکن نباشد، پرداخت غرامت به‌عنوان اصلی‌ترین روش جبران خسارت مطرح می‌شود. این شیوه، در نظام حقوقی کشور ما نیز به‌عنوان راهکار جبران خسارت پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه با توجه به شرایط هر مورد، می‌تواند پرداخت غرامت را به‌عنوان جبران خسارت تعیین کند یا آن را به‌عنوان مکمل در کنار روش‌های دیگر در نظر بگیرد.

ب) ارزیابی خسارت

طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، در صورت ورود خسارت به محیط زیست ناشی از فعالیت‌های آلاینده، دادگاه برای جبران خسارت میزان خسارت وارده را توسط کارشناسان تعیین و رأی صادر می‌کند. خسارات محیط زیستی ممکن است به اموال، اشخاص حقیقی و حقوقی و یا منابع طبیعی وارد شود و تنها مادی نیستند، بلکه گاه خسارات معنوی همچون آسیب روحی و روانی را نیز شامل می‌شوند. برآورد خسارت در بخش منابع طبیعی و خسارات معنوی به دشواری انجام می‌شود؛ زیرا ارزیابی ارزش محیط زیست با پول سخت است. خسارات معنوی شامل آسیب‌های غیرمالی و تأثیرات منفی بر روح و روان افراد از تخریب محیط زیست است. بنابراین، جبران خسارت معنوی باید با توجه به شرایط و وضعیت آسیب‌دیده و با هدف کاهش اثرات زیان‌بار باشد.

در سه حالت می‌توان به خسارات زیست محیطی اشاره کرد:

خسارت به اموال: در اثر آلودگی‌ها، ممکن است به اموال افراد زیان وارد شود، مانند از بین رفتن ماهی‌های پرورش‌دهنده‌ای در کنار یک کارخانه آلاینده.

خسارت به اشخاص: انتشار آلاینده‌ها در هوا می‌تواند بر سلامت افراد تأثیر بگذارد و بیماری‌هایی مانند آسم را تشدید کند. زیان‌دیدگان می‌توانند مطالبه خسارت نمایند.

خسارت به منابع طبیعی: آسیب‌هایی که به منابع طبیعی وارد می‌شود به عنوان زیان به محیط زیست خالص شناخته می‌شود و سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند به عنوان مدعی عمومی دعوی اقامه کند.



بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی و قوانین مربوطه، اگر شخصی اقدامات آلاینده انجام دهد، مسئولیت دارد و اثبات تقصیر یا بی‌مبالاتی ضروری نیست. همچنین، سازمان‌های غیردولتی و اشخاص حقوقی نیز می‌توانند خسارات وارد به خود را از عاملان زیان مطالبه کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق بر اهمیت و جایگاه محیط زیست در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران تأکید دارند و نشان می‌دهند که حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یک وظیفه شرعی و اخلاقی در کنار مسئولیت قانونی، نقشی محوری ایفا می‌کند. در این راستا، سه مبنای اصلی مسئولیت مدنی در برابر خسارت‌های زیست‌محیطی شناسایی شد: مبنای تقصیر، مبنای خطر و مبنای تضمین حق. مبنای تقصیر بر اساس خطای فردی یا سهل‌انگاری به مسئولیت منتهی می‌شود، به این معنی که هرگونه بی‌احتیاطی که به تخریب یا آلودگی محیط زیست منجر شود، عامل آن ملزم به جبران خسارت خواهد بود. مبنای خطر اما تأکید بر مسئولیت بدون تقصیر دارد، به‌ویژه در فعالیت‌هایی که به دلیل ماهیت ذاتی خود، احتمال آسیب به محیط زیست را در بر دارند. این دیدگاه در قوانین ایران برای فعالیت‌های صنعتی یا بهره‌برداری‌های منابع طبیعی بسیار حائز اهمیت است. در نهایت، مبنای تضمین حق به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین، بر حق همگانی جامعه برای بهره‌مندی از محیط زیست سالم تأکید دارد و دولت را ملزم به تدوین و اجرای قوانین حمایتی می‌کند.

از منظر فقهی، قواعدی چون اتلاف، تسبیب و لاضرر به‌عنوان مبانی اصلی مسئولیت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده‌اند. قاعده اتلاف که مستقیماً به تخریب یا اتلاف منابع طبیعی اشاره دارد، بر مسئولیت عامل تخریب تأکید می‌کند و از لحاظ فقهی، فرد را به دلیل آسیب مستقیم به طبیعت موظف به جبران می‌داند. قاعده تسبیب به‌گونه‌ای غیرمستقیم به مسئولیت اشاره دارد و بر فردی که شرایط تخریب را فراهم می‌کند، اما به‌صورت مستقیم آن را اجرا نمی‌کند، مسئولیت می‌گذارد. قاعده لاضرر نیز با منع هرگونه عمل زیان‌بار، به حفاظت گسترده‌تر از محیط زیست کمک می‌کند. این اصول در کنار هم نشانگر این هستند که فقه اسلامی توجهی عمیق و همه‌جانبه به حفظ محیط زیست دارد و می‌تواند به‌عنوان یک مبنای اصولی برای تنظیم قوانین مدرن زیست‌محیطی مورد استفاده قرار گیرد.

در حوزه حقوق موضوعه ایران، اصول جبران خسارت زیست‌محیطی شامل اعاده به وضع پیشین و پرداخت معادل خسارت تعریف شده است. اعاده به وضع پیشین، به‌معنای بازگرداندن محیط زیست به حالت اولیه پیش از وقوع خسارت، از اصول پذیرفته‌شده در نظام حقوقی است؛ با این حال، این روش در همه موارد عملی نیست و در برخی مواقع پرداخت معادل مالی خسارت به‌عنوان غرامت توصیه می‌شود. پرداخت غرامت، ارزیابی دقیق خسارت وارده به اموال، اشخاص و منابع طبیعی را در بر می‌گیرد و به جبران مالی



خسارت‌ها منجر می‌شود. این دو رویکرد جبران خسارت، بر اهمیت برقراری عدالت و کنترل آثار تخریبی بر محیط زیست تأکید دارند.





فهرست منابع و مآخذ

- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۱). مباحثی از حقوق تجارت بین الملل. چاپ اول. تهران: نشر دانش آموز.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. ج ۱، چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- درودیان، حسنعلی (۱۳۷۶). حقوق مدنی ۴. دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۴ ه ق). لغت نامه دهخدا. تهران، انتشارات فروزان روز.
- صفایی، سید حسین (۱۳۵۵). مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۵). حق بر محیط زیست. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت مدنی. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان.
- قوام، میراعظیم (۱۳۷۵)، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: انتشارات دانشگاه تهران چاپ اول.
- محقق داماد، سید محمد. (۱۴۰۵). کتاب الصلاة. قم: موسسه نشر اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). قواعد فقه، بخش مدنی ۱. چاپ نوزدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ اسلامی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۵). استفتانات مسائل ضمان. قم: دفتر مؤلف.
- صفایی، حسین. (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارات بر محیط زیست. تهران: دانشگاه آزاد، دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.
- قاسمی، حیدری، ناصر، فلورا. (۱۳۹۰). بررسی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی. نشریه پژوهش حقوق عمومی. شماره ۳۴.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ ق). نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام. الطبعة الثانیة. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۷۳). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.